

شماره : ۲۴

هجدهم ربیع الاول ۱۴۲۶

# مجموعه مباحث اخلاقی

استاد معظم

حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

بی اعتنایی به محاسبه نفس

دیگر نشانه اهل دنیا

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة  
الله على أعدائهم أجمعين

از علایم دیگری که برای اهل دنیا در این حدیث قدسی شریف بدان  
اشاره شده، این جمله است که: «لا يحاسب نفسه»<sup>(۱)</sup>.

اهل دنیا، اهل محاسبه نفس نیستند. ضرورت محاسبه نفس، به  
عنوان یک درک عقلانی پذیرفته شده است و هر صاحب سرمایه‌ای در پایان  
سال مالی خود، مکلف به محاسبه سود و زیان خود است؛ زیرا عقل سالم  
اقتضایش این است که به محاسبه اموال خود پرداخته و سود و منفعت؛ و یا  
خسران و زیان را مشخص کند.

آیه ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ﴾<sup>(۲)</sup> به صورت قضیه مهمله وارد شده است که  
می‌تواند همه انسان‌ها را شامل شود؛ بدین معنی که طبیعت انسان به گونه‌ای

۱- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۳، حدیث ۶.

۲- سوره عصر، آیه ۲.

است که زندگی او مدام با خسران توأم است.

این عبارت در مباحث قبل نیز به مناسبت‌های مختلف بیان شده است که فخر رازی در ذیل این آیه می‌گوید: معنای آیه را نمی‌فهمیدم و در فکر تفسیر آن بودم تا اینکه روزی در بازار بغداد حرکت می‌کردم. در آن هوای گرم تابستان، یخ فروشی را دیدم که فریاد می‌زد ایها الناس یخ‌های مرا بخرید که سرمایه‌ام تباہ شد. در این وقت بود که معنای آیه را فهمیدم.

انسان نیز این‌گونه است، دارای اشتغال باشد یا نباشد، کار خیر و صلاح بکند یا نکند، سرمایه‌ی عمر را خرج می‌کند. این روزها و ساعات و لحظات عمر را در مقابل چه بذل می‌کند، اگر به دنبال تحصیل ایمان و علم همراه با عمل صالح باشد نه تنها ضرر نکرده، بلکه از سرمایه‌ی خود سود برده است؛ ولی اگر قدر این سرمایه را نداند شامل همان لفی خسر خواهد بود.

در روایتی از حضرت ابی‌الحسن الرضا علیه السلام نقل شده است که فرموده‌اند:

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ»<sup>(۱)</sup>.

«کسی که اعمال روزانه خود را مورد محاسبه قرار ندهد، از ما نیست.»

بدین معنی که شرط شیعه بودن این است که، فرد هر روز به محاسبه‌ی اعمال خود پردازد؛ و در پایان روز بفهمد که در قبال بذل سرمایه‌ی عمر، چه به دست آورده است. برای توجه به همین امر مهم است که امام صادق علیه السلام

۱- کافی، ج ۲، ص ۴۵۳، حدیث ۲، وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۹۵، حدیث ۲۱۰۷۴.

فرموده‌اند:

«مَنْ اسْتَوَى يَوْمَ مَا هُ فَهُوَ مَغْبُونٌ»<sup>(۱)</sup>.

«اگر دو روز فردی مساوی هم باشند، مغبون شده و ضرر کرده است». بنابراین هر روز مسلمان، باید بهتر از روز قبل باشد؛ زیرا محصول و سود دیروز، در مقابل سرمایه بذل شده دیروز است؛ و امروز سرمایه دیگری بذل کرده است که باید فایده و سود دیگری به دست بیاورد، و اگر غیر از این باشد مغبون شده است.

چنان که بیان شد محاسبه اعمال و سود و زیان، درک عقلانی و ضرورت محسوب می‌شود و باید دید که چه ثمرات و آثاری بر آن مترتب است: بهترین و اساسی‌ترین ثمره، آگاهی از سود و زیان حاصله است. به طور مثال تاجری را در نظر بگیرید که سرمایه‌ای را به کار بسته است و این سرمایه، به طور مرتب در چرخه اقتصاد قرار گرفته است. این فرد اگر در سررسید محاسبه مالی خود، از حساب کردن سود و زیان غافل شود، قادر به ادامه صحیح تجارت نخواهد شد، نه می‌تواند سود خود را بداند و نه ضرر احتمالی را. اگر این فرد اهل محاسبه نباشد از ضرر خود آگاه نشده، و نمی‌تواند جلو ضرر و زیان خود را بگیرد، و با سر در منجلاب قرض و بدهی گرفتار می‌شود؛ اما اگر اهل محاسبه باشد از ضرر احتمالی خود آگاه شده و جلوگیری از اشتباهات خود

۱- وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۹۴، حدیث ۲۱۰۷۳، مستدرک الوسایل، ج ۱۲، ص ۱۴۸، حدیث ۱۳۷۴۸.

رامی گیرد و لذا:

سر چشمه شاید گرفتن به بیل      چو پر شد نشاید گذشتن به پیل  
بنابراین می توان جلو آبی که از سرچشمه در حال جریان است را با دو  
سه بیل خاک مسدود کرد؛ ولی اگر آب جاری شده و همه جا را بگیرد، گذر از  
آن بسیار مشکل خواهد بود.

پس فایده اول آگاهی از سود و زیان حاصله، و راهگشایی برای آینده  
است. برای بیان بهتر این امر به چند روایت از امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره  
می کنیم:

«ثَمَرَةُ الْمُحَاسَبَةِ صَلاَحُ النَّفْسِ». (۱)

«نتیجه و ثمره حسابگری، اصلاح نفس است».

«مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رَبِحَ». (۲)

«کسی که اهل محاسبه نفس باشد، سودمند می شود».

«مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ سَعِدَ». (۳)

«کسی که اهل محاسبه نفس باشد، سعادتمند می شود».

سؤال این است که چرا فرد محاسبه گر سعادتمند و سودمند می شود.

جواب این سؤال نیز در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است که فرموده اند:

۱ - مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۵۴، حدیث ۱۳۷۶۱، غرر الحکم، ص ۲۳۶، حدیث ۴۷۳۶.

۲ - مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۵۴، حدیث ۱۳۷۶۱، غرر الحکم، ص ۲۳۶، حدیث ۴۷۴۵.

۳ - مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۵۴، حدیث ۱۳۷۶۱، غرر الحکم، ص ۲۳۶، حدیث ۴۷۴۴.

«مَنْ تَعَاهَدَ نَفْسَهُ بِالمُحَاسَبَةِ أَمِنَ فِيهَا المَدَاهِنَةَ»<sup>(۱)</sup>.

«کسی که خود را متعهد به محاسبه نفس کرد، می‌تواند نقایص خود را فهمیده و جلو سستی را بگیرد».

بنابراین فرد محاسبه‌گر وقتی به زیان و اشتباه خود پی برد جلوسستی را می‌گیرد، و کسی که این‌گونه باشد در کارش عازم و جازم و نیرومند شده، و سودمند می‌شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام دیگری این چنین فرموده‌اند که:

«مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَقَفَ عَلَى عَيْبِهِ وَأَخَاطَ بِذُنُوبِهِ وَاسْتَقَالَ الذُّنُوبَ وَأَصْلَحَ الْعُيُوبَ»<sup>(۲)</sup>.

«کسی که اهل محاسبه نفس باشد به عیوب خود آگاه می‌شود، گناه را می‌شناسد، جلو گناهان را می‌گیرد و عیوب خود را اصلاح می‌کند».

پس توجه به گناه، موجب استقاله و کم کردن گناه می‌شود؛ و درک و شناخت عیوب، موجب اصلاح آنها می‌شود. و اگر فرد اهل حساب و کتاب، گناه را شناخت و عیب را درک کرد، طبعاً آن را اصلاح کرده و از تکرار گناه پرهیز می‌کند.

برای ما طلبه‌ها این محاسبه خیلی سهل و آسان است. هر کسی در هر

۱ - مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۵۴، حدیث ۱۳۷۶۱، غرر الحکم، ص ۲۳۶، حدیث ۴۷۴۷.  
۲ - مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۵۴، حدیث ۱۳۷۶۱، غرر الحکم، ص ۲۳۶، حدیث ۴۷۴۸.

سن و سالی که باشد، برگردد و دوستان هم محله‌ای و هم مدرسه‌ای خود را ببینند. بسیاری از آنها دنبال رشته‌های تحصیلی مختلف یا مشاغل مختلف رفته‌اند، به گونه‌ای که بعضی از آنها تابلوی دکتری، مهندسی، وکالت... و یا منصب‌های دولتی و یا تجاری دارند و به تبع آن ماشینی، خانه‌ای، باغی، زنی و زندگی نصیبشان شده است.

سؤال اینجاست که آنها با هزینه کردن سرمایه عمر اینها را به دست آورده‌اند، ما با هزینه کردن سرمایه عمر چه به دست آورده‌ایم؟ اگر ما در این مدت طلبگی، فضیلت علمی و تحصیلی و معنویت به دست نیاورده‌ایم حتماً دچار خسران شده‌ایم.

این سرمایه عمر قابل برگشت و استرداد نیست، پس در مقابل آن باید کمالات معنوی و اخلاقی و علمی را به دست آورد؛ زیرا عدم تحصیل اینها، با وجود حضور در حوزه یا یک فضای معنوی، ضرر و خسران بین و مصداق ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ﴾ است.

سرمایه عمر همچون یخ آب شده و به چاه سرازیر می‌شود و ناگهان بانگی برمی‌آید که خواجه مرد. خواجه کی مرد؟ چگونه مرد؟ چه چیز از او به جا ماند؟ هیچ. از محصول دنیا چه به دست آورد و چه به میراث گذاشت؟ خیلی که همت کند یک خانه چند صد متری واقع در محله‌ای معمولی به ارث می‌گذارد.

حال سؤال این است که آیا این منابع دنیوی کمال محسوب می‌شوند؟  
به واقع اگر کسی فقط به دنبال منافع دنیوی باشد حوزه و طلبگی مسیر  
مناسبی برای این امر نخواهد بود. زندگی طلبگی خیلی دقیق و دارای حساب  
و کتاب است.

نقل شده مرحوم شیخ رحمته الله علیه در کوچه‌های نجف در حال گذر بود که دید دو  
طلبه در مورد دوستشان که شب چهارشنبه را در مسجد سهله بیتوته کرده  
بود صحبت می‌کنند، و نسبت به این توفیق او غبطه می‌خورند.

مرحوم شیخ رحمته الله علیه به آنها تعرض کرده و گفت: غیبت نکنید. برگشتند و  
دیدند شیخ است که نهی از منکر می‌کند. گفتند: ما غیبت نمی‌کنیم بلکه  
تعریف فعل نیک او را می‌کنیم. شیخ گفت: شب چهارشنبه شب درسی بوده و  
مطالعه واجب. دوست شما ترک واجب کرده و به سهله رفته، و عمل محرم  
مرتکب شده است. بنابراین نقل شما، نقل محرم بوده و غیبت محسوب  
می‌شود.

این در مورد جمکران رفتن ما نیز صادق است. جمکران رفتن و توسل  
به حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام همیشه خوب است؛ اما اینکه شب چهارشنبه  
درس را که امر واجب است تعطیل کرده و به جمکران برویم مجاز نمی‌باشد؛  
زیرا ترک و تعطیل فعل واجب، و ارتکاب مستحب معنی نداشته و حرام  
می‌باشد. این همان دقت در محاسبه است.

بنده به مناسبت‌هایی برای بعضی از دوستان عرض کرده‌ام که روزگاری فضای حوزه و تربیت طلبه به این صورت بود و متأسفانه این فضا به هم ریخته است. طوری بود که اگر در شب درسی برای طلبه‌ای مشکلی پیش می‌آمد، یا مهمانی مزاحمش می‌شد که نمی‌توانست مطالعه کند، بینی و بین الله این ترک مطالعه همانند ترک نماز عشاء بود؛ زیرا حساب دقیق بود.

به هر حال یک روز که از عمر ما می‌گذرد، در پایان روز باید حساب کرد که در این روز چه نصیب آدمی شده است؟ اگر امروز سر درس حاضر شدیم حاصل آن چه بوده است؟ آیا به درس توجه داشتیم یا نه؟ اگر سر درس نرفته‌ایم چرا نرفته‌ایم؟

افرادی هم که به جایی رسیده‌اند با این محاسبات رسیده‌اند. در حالات شیخ آمده است که ایشان دو ساعت به اذان صبح بیدار می‌شد و به تهجد و تفکرش می‌پرداخت. بعد از نماز صبح دو تا درس می‌گفت، که معمولاً هر درس دو ساعت طول می‌کشید؛ زیرا ضمن درس مباحثه هم بود. بعد استراحت مختصری، نهار، نماز ظهر و عصر و بعد از ظهر دو درس دیگر. بعد هم نماز مغرب و عشاء، شام مختصری و بعد کمی مطالعه و استراحت و باز دو ساعت به اذان صبح بیدار می‌شد.

به هر حال مهم این است که ما بعد از گذشت ده یا پانزده سال طلبگی عادت داشته باشیم هر روز یا هر هفته و یا هر ماه و سالی یکبار حساب و کتاب

عمر خود را بکنیم؛ زیرا حضرت رضا علیه السلام این گونه به ما یاد داده‌اند که:

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَحْسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ»<sup>(۱)</sup>.

اگر تا به حال هم محاسبه نبوده لاقلاً بعد از ده پانزده سال بنشینیم و ببینیم ما حاصل این ده پانزده سال چه بوده است؟ این شاء الله خودفریبی هم نخواهیم کرد. اندیشه کنیم که آیا قدر و ارزش عمر خود را فهمیده‌ایم یا نه؟ اگر نفهمیده‌ایم باز هم دیر نشده است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

«حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ تَأْمِنُوا مِنَ اللَّهِ الرَّهْبِ وَتُدْرِكُوا عِنْدَهُ الرَّغَبَ»<sup>(۲)</sup>.

«اگر اهل حساب باشید از خوف و ترس ایمنی پیدا می‌کنید؛ و به آمال و آرزوهایی که از ناحیه خداوند دارید می‌رسید».

آن گونه که گفته‌اند: آن را که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است. با این حساب، به تمام آمال و آرزوهایی که از جانب خداوند امیدوار است می‌رسد. حال این آرزوها چیست؟ در یک کلام می‌توان گفت سعادت اخروی. اگر کسی فقط به دنبال منافع دنیوی باشد، به آن می‌رسد؛ ولی چیزهای گرانبهایی هست که خداوند آن را به همه نمی‌دهد. اگر از خدا بخواهد فرعون بشود، می‌شود. اگر از خدا بخواهد قارون بشود، می‌شود. قرآن می‌گوید: مفتاح و کلیدهای گنج قارون را مردانی نیرومند حمل می‌کردند. پس فرعون

۱ - کافی، ج ۲، ص ۴۵۳، حدیث ۲، وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۹۵، حدیث ۲۱۰۷۴.

۲ - غرر الحکم، ص ۲۳۶، حدیث ۴۷۳۸.

یا قارون شدن سهل و آسان است؛ ولی اگر کسی بخواهد موسی بشود به این سادگی‌ها نمی‌تواند.

بنابراین می‌توان با محاسبه، به آنچه که از خدا توقع و آرزو دارد برسد.

در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده است که فرموده‌اند:

«حَاسِبٌ نَفْسِكَ لِنَفْسِكَ فَإِنَّ غَيْرَهَا مِنَ الْأَنْفُسِ لَهَا حَاسِبٌ غَيْرُكَ»<sup>(۱)</sup>

محاسبه کار خودت را داشته باش، نمی‌خواهد خط، زیر کار مردم

بکشی. هر کس محاسبی دارد و آن محاسب یا خودش است، یا آن ملائکه

رقیب و عتیدی که هیچ چیز را از قلم نمی‌اندازند، خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ \* مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ

رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾<sup>(۲)</sup>

«به خاطر بیاورید هنگامی را که دو فرشته راست و چپ که ملازم

انسان‌اند اعمال او را دریافت می‌دارند؛ انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد

مگر اینکه همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط

آن) است».

البته چیزی هم هست که رقیب و عتید نیز از آن بی‌خبرند و این را از

دعای کمیل امیرالمؤمنین علیه السلام می‌توان فهمید آنجا که می‌فرمایند: خدایا! آن

۱ - غرر الحکم، ص ۲۳۶، حدیث ۴۷۳۹.

۲ - سوره ق، آیه ۱۸ - ۱۷.

گناہانی که فقط تو می دانی و ملائکه نمی دانند. این از خوبی خداست و خدا آن قدر مهربان است که تا خود تظاهر نکنی، نمی گذارد آنها بفهمند. اگر گفتی و عمل کردی آنها می فهمند و می نویسند، اما اگر خیال و فکر گناه کردی، ملائکه نمی فهمند و ثبت نمی کنند.

به هر حال «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا وَآزِنُوا قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا».<sup>(۱)</sup>  
«به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند. و آن را بسنجید قبل از آن که سنجیده شود». بالاخره ما معتقد به حساب و کتابی هستیم؛ و صریح قرآن است که یوم الحساب داریم. در کلامی از امیرالمؤمنین علیه السلام داریم که فرموده اند:

«فَإِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابٌ وَإِنَّ غَدًا حِسَابٌ وَلَا عَمَلٌ».<sup>(۲)</sup>

«همانا امروز روز عمل است نه حساب؛ و فردا روز حساب است نه عمل».  
آنجا دیگر نمی توان گفت: خدایا هر چه بگویی انجام می دهی. پرونده حیات دنیوی که بسته شد تمام شد. وقتی فرد گناهکار از دنیا رفت و آن دنیا را معاینه کرد، از خدا می خواهد که دوباره برگردد، ندا می رسد که: «كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ».<sup>(۳)</sup> دیگر اجازه برگشت نیست، هر چه هست همین جاست.

۱ - مستدرک الوسائل ج ۱۲، ص ۱۵۴، حدیث ۱۳۷۶۱، غرر الحکم ص ۲۳۶، حدیث ۴۷۴۱.  
۲ - کافی، ج ۸، ص ۵۸، حدیث ۲۱.  
۳ - سوره مؤمنون، آیه ۱۰۰.

سنگ محك هم عجيب است در زيارت اميرالمؤمنين عليه السلام اين عبارت را مي خوانيم «السَّلَامُ عَلَى مِيزَانِ الْأَعْمَالِ». <sup>(۱)</sup> اگر سنگ محك اميرالمؤمنين عليه السلام باشد كه هست، چه چيزي مي خواهيم عرضه كنيم. ما كه مدعي انجام كارهاي خوب هستيم چه چيزي مي خواهيم عرضه كنيم، آيا مي خواهيم نمازمان را در مقابل نماز اميرالمؤمنين عليه السلام عرضه كنيم؟ آيا مي خواهيم ترويج توحيد و نبوت و ولايت و تبليغ دين را با خدمات و زحمات اميرالمؤمنين عليه السلام مقايسه كنيم؟ ميزان اعمال اوست و حساب خيلي دقيق است.

نشانه انساني كه به اين امر مهم (محاسبه) توجه پيدا کرده، اين است كه بداند دنيا كجاست و آخرت كجاست؟ البته بين خود و نفسمان بايد به چيزهاي راضي بشويم چنان كه اميرالمؤمنين عليه السلام فرموده اند:

«إِنَّ لِنَفْسِكُمْ أَثْمَانًا فَلَا تَتَّبِعُوهَا إِلَّا بِالْحِجَّتَةِ». <sup>(۲)</sup>

بنابراين بايد هم به اصل حساب، هم به نرخ حساب و هم به كيفيت حساب توجه شود؛ چون حساب خيلي دقيق است؛ و لذا بايد از خدا بخوايم كه: «الهي عاملنا بفضلك و لا تعاملنا بعدلك». <sup>(۳)</sup> اگر حساب عدل باشد ﴿إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ﴾. <sup>(۴)</sup> اگر به اندازه سنگيني دانه خردلی (كار نيک يا بد) باشد، و در دل سنگي يا در (گوشه اي از) آسمان ها و زمين قرار گيرد، خداوند آن را

۱ - مستدرک الوسائل ج ۱۰، ص ۲۲۲، حديث ۱۱۹۰۰، بحار الانوار ج ۹۷، ص ۲۸۷، حديث ۱۸.  
۲ - غرر الحكم، ص ۱۶۸، حديث ۳۳۱۴.  
۳ - شرح اسماء الحسنی، ص ۴۹۷.  
۴ - سورة لقمان، آية ۱۶.

(در قیامت برای حساب) می آورد؛ خداوند دقیق و آگاه است». اما اگر حسابِ فضل باشد، کوهی را به کاهی می بخشد. فلذا باید حساب را صاف کرد، و این اهل دنیایند که به حسابِ اعمال خود نمی رسند. امیدواریم که ان شاء الله همه ما در پیشگاهِ میزان الهی، در یوم الحساب دستمان به ذیل عنایت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و اولادش برسد، و بتوانیم از این مسیرِ پرخطر به سلامت عبور کنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱۳۸۴/۲/۷)

بنده به مناسبت‌هایی برای  
بعضی از دوستان عرض کرده‌ام که  
روزگاری فضای حوزه و تربیت طلبه  
به این صورت بود و متأسفانه این فضا  
به هم ریخته است. طوری بود که اگر در  
شب درسی برای طلبه‌ای مشکلی پیش  
می‌آمد، یا مهمانی مزاحمش می‌شد که  
نمی‌توانست مطالعه کند، بینی و بین  
الله این ترک مطالعه همانند ترک نماز  
عشاء بود؛ زیرا حساب دقیق بود.

#### محل برگزاری جلسات :

چهار راه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰